واژه‌های با اهمیت املایی

فارسی هشتم*

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی
خراسان رضوی

در املای فارسی واژه‌ای اهمیت دارد که:

۱- عربی رایج در فارسی باشد.

۲- در خود یک یا چند حرف از حروف شش‌گانهٔ زیر را داشته باشد:

الف) «ء» و «ع» (ائتلا - اعتلا)

ب) «ت» و «ط» (حیات - حیات)

پ) «ث» و «س» و «ص» (ثور - سور - صور)

ت) «ح» و «ه» (حجر - هجر)

ث) «ذ» و «ز» و «ض» و «ظ» (ذلت - زلت - ضلت - ظلت)

ج) «غ» و «ق» (غالب - قالب)

به سخنی دیگر، واژه‌ای دارای اهمیت املایی است که می‌تواند صدایی واحد با چند شکل نوشتاری (مکتوب) داشته باشد. پس هنگام نوشتن املا، باید شکل درست واژه‌ها را برگزینیم.

چند نکته دربارهٔ پیوسته یا جدانویسی واژه‌ها

موارد زیر، جدا یا گسسته نوشته می‌شوند:

۱. «را» نشانهٔ مفعول (کسی را)

۲. «ای» نشانهٔ منادا (ای خدا)

۳. «می» مضارع اخباری (می‌رود) و گذشتهٔ استمراری (می‌رفت)

۴. «این و آن» جدا از جزء و واژهٔ پس از خود (این کار)

مگر در واژه‌های: آنچه، آنکه، اینکه، اینجا، آنجا، وانگهی

۵. «چه» جدا از واژهٔ پس از خود (چه کاری)

مگر در واژه‌های: چرا، چگونه، چقدر، چطور

۶. «تر - ترین» جدا از واژهٔ پیش از خود (جالب‌تر - جالب‌ترین)

مگر در واژه‌های: بهتر - مهتر - کهتر - بیشتر - کمتر

۷. «بی» جدا از واژهٔ پس از خود مگر در (بیهوده - بینوا - بیچاره)

۸. «هیچ» همیشه جدا نوشته می‌شود. (هیچ‌کس)

کسرهٔ اضافه:

نشانهٔ کسره (ـِ) در خط آورده نمی‌شود: راه درست - دانش نوین

واژه‌هایی مانند «پرتو - رهرو - جلو» در حالت مضاف، گاهی با صامت میانجی «ی» می‌آید: پرتوی آفتاب و گاهی بدون آن: پرتوِ آفتاب. آوردن یا نیاوردن «ی» به تلفظ بستگی دارد.

برای واژه‌های مختوم به «ه» غیر ملفوظ در حالت مضاف از نشانهٔ «ء» کمک می‌گیریم. (خانهٔ من - نامهٔ او)

«ی» در واژه‌های (عیسی - موسی - کبری و ...) در اضافه به واژهٔ پس از خود به الف تبدیل می‌شود: عیسای مسیح - موسای کلیم

همزه (ء):

اگر حرف پیش از همزهٔ میانی، مفتوح (ـَ) باشد، روی کرسی «ا» نوشته می‌شود:
رأفت - تأسف - شأن
اگر حرف پیش از همزهٔ میانی، مضموم (ـُ) باشد، روی کرسی «و» نوشته می‌شود:
رؤیا - مؤسسه
اگر حرف پیش از همزه، ساکن (ـْ) یا یکی از مصوت‌های بلند «ا - و - ی» باشد، بدون کرسی نوشته می‌شود: جزء - شیء - ماء و ...
واژه‌هایی مانند (املاء- انشاء - اعضاء - ابتداء - شهداء و ...) را در زبان فارسی این‌گونه می‌نویسیم: املا - انشا - اعضا - ابتدا - شهدا

«بـ»، «نـ»، «مـ»:

در هنگام افزودن این‌ها بر سر فعل‌هایی که با (اَ – اُ) آغاز می‌شوند، الف را حذف می‌کنیم و به‌جای آن «یـ» میانجی می‌آوریم: بینداز - نیفتاد - میفکن

«ستایش»:

طلعت - زینت‌ده عنوان‌ها - حکیم سخن - خطابخش - پوزش‌پذیر - درگاه لطف - متّفق بر الهیتش - کُنه ماهیت منتهای جمال - تأمل - آیینهٔ دل - راه صفا - به‌تدریج - حاصل کنی - محال - پی مصطفی - بوستان سعدی

«درس یک، پیش از این‌ها»:

قصر پادشاه قصه‌ها – خشتی از الماس – عاج و بلور – غرور – رعد و برق – طنین خنده سیل و طوفان – نعرهٔ توفنده – حضور – بی‌رحم – پرس‌وجو – خطا – نیت – وحشت – خاطر دلگیر – تصویر ذهن – قصد سفر – یک لحظه – گوشه‌ای خلوت – وضو – دست‌ورو – گفت‌وگو – بی‌ریا – گلیم و بوریا – به قول پرستو – قیصر امین‌پور – مفهوم زبان – نحوهٔ گزینش واژه‌ها – ساختار و محتوا – جست‌وجو – بهره گرفتن – بن مضارع مصدر – ردیف و قافیه – تلفظ یکسان

«حکایت به خدا چه بگویم»:

غلام – گوسفندان ارباب – صحرا – انبوه – سراغ – رسالهٔ قشیریه

«درس دوم، خوب جهان را ببین»:

راز آفرینش – آفرینندهٔ مورچهٔ کوچک – اسرار پیچیدهٔ حکیمانه – سیاهی دیده‌ها چونان چراغی روشن – برمی‌گزیند – آن‌قدر نازک – اندام – حدقه – متناسب اندام – حواسی نیرومند – اشیا – قدرت دفع – متحد – کشتزار – کوچکی جثه – عظمت خلقت – اندیشهٔ انسان – جایگاه ویژه – خوراک زمستان – شگفت‌انگیزترین پرندگان – طاووس – بیافرید – انباشته – گویی – روییدنی – شکوفه‌های رنگارنگ – فراهم آمده – پر نقش‌ونگار - برگ خزان‌دیده – زر ناب – جلوه می‌کند – بر فراز گردن – جلوهٔ خاص – نهج‌البلاغه- خطبه – صورتگر ماهر حیران – گل‌های نغز – تماثیل – تصاویر – هجر – بدین‌سان - قاه قاه – تقلید غیر – صورت برد – صفحهٔ هستی – دعوت می‌کند – بهره‌گیری – تقویت ذهن – مشبه – مشبه به – وجه شبه – ادات تشبیه – گاهی اوقات – حذف – منابع مناسب – تحسین کنند – فاصلهٔ معین – ایجاد ابهام

«روان‌خوانی چشمه و سنگ»:

ذرات ریز – بی‌تاب - خستگی و تشنگی - سرزمین بی‌حاصل - شادی و طراوت – بال ظریف سنجاقک – پهن می‌کرد بوته‌های خار – صدای خزیدن حشره – به افق خیره شد – آسوده و بی‌خیال – می‌خواست بگوید – یک‌نواخت – راضی بود – بقیهٔ خواب خوش – زیبایی و عطر – سکوت تلخ – نگاه غمگین – بوتهٔ خار – طعم گوارا – تیره و تار – تیرگی – بهت و حیرت – دلپذیر – پاک و زلال

«درس سوم، ارمغان ایران»:

سربه‌هم‌آورده – برگ‌های غنچه – اجتماع دوستان یکدل – صائب تبریزی – ارمغان ایران – هوشمند دلبند – بس کهن - درازنای تاریخ – سرزمین سپند – فرّ و فروغ – فرزانگی – فرهیختگی – بیهوده – آزادگان و آزادزادگان – تیره‌رای و خیره‌روی – به پاس آزادگی – زبان و خامهٔ دشمن – پیراسته از آلایش – میهن شکوهمند – خاستگاه بخردان – همگنان – از تبار ایرانیان نژاده – تابناک – گذشتهٔ پرفروغ – پایدار و نستوه – خُرد می‌کند – ستبر و سُتوار – تلاش و تکاپوی – دریغ نورزد – خیرگی – از خود بیگانگی – خواهی زدود – هان و هان – سپاس بگزار – بی‌گزند – میر جلال‌الدین کزازی – نغمهٔ حروف – موسیقی متن - تأثیر – می‌افزاید – صامت و مصوت – رسایی سخن – منوچهری دامغانی

«حکایت فوت کوزه‌گری»:

فوت کوزه‌گری – دستمزد بیشتر – سر ناسازگاری – به پاس حق – بی‌اعتنا – رقابت رمز مرغوب بودن – لعاب – ناگزیر – مصطفی رحمان‌دوست – تصرف و تلخیص

«درس چهارم، سفر شکفتن»:

عبارت – الآن – حتماً – وضع بهتر – فرصت زیاد – گذر شتابان عمر – تصویر رؤیایی – درآمد عالی – نصیب شما – احترام و اعتبار – بی‌عاطفه و بداخلاق – عشق و عاطفه – زندگی آرمانی و منطقی – اصول و روش‌ها طولانی – پر فرازونشیب – مسافر دائمی – مهارت‌های لازم – لذت‌بخش کردن – کوه‌نوردی – مراسم مذهبی - آداب خاص - پرمشقت – نظیر و مانند – استعداد و توانایی – درست و سنجیده – تصمیم‌گیری – تدبیر مناسب – موقعیت‌های مهم – چیرگی بر احساسات و هیجانات – تفکر خلاق – توکل به پروردگار – بحران‌های زندگی

«شعرخوانی»:

نهان – عیان – ناله و فغان – فیض کاشانی

«درس ششم، راه نیکبختی»:

مهر گردون – افسانه و افسون – بازخوانی و تلفظ – مطابقت دادن

خصوصیت – متن حماسی – فروتنی و خاکساری – محتوای

اندرزی – لحن نصیحت – سحرخیز – خواب سحرگهان – خرسند

جامهٔ خواب – موعظه – ادبیات تعلیمی – سخن گهربار – سرودهٔ

نظامی - غافل منشین – هنر و سرفرازی - جزء

«درس هفتم، آداب نیکان»:

از عارفان قرن سوم هجری – احوال بهلول – عرض کرد – آداب طعام خوردن برخاست – مرشد خلق – بی‌موقع – به قدر فهم مستمعان – از بهرِ خدا – دعوی دانایی – معترف شدی – فرع و اصل – لقمهٔ حلال – بغض و کینه و حسد – جامع‌التمثیل حبله‌رودی – دستاوردهای جدید – چگونگی زیست – بیفزاید – اسطرلاب – کارایی – فناورانه هنجار و حریم – حصار خانواده – استفادهٔ نابجا و نسنجیده – ابزار – هویت اصلی – شکوه و حرمت – رهاورد تمدن – مظاهر آفرینشگری – روح‌انگیز – جلوهٔ جمال – فضای طوفان‌خیز – اخلاق متعالی – غفلت و اسارت – بی‌هیاهو – فضایل انسانی – مآل‌اندیش – فرایند – پیشامد – دلارام - همایش

«حکایت خودشناسی»:

جولاهه – جولاهگان – به غلط نیفتم – اسرارالتوحید – محمدبن‌منور

«درس هشتم، آزادگی»

معمولاً – میل و رغبت – شوق انتظار – دلق درشت – پشته‌ای خار – همی‌برد – فرازندهٔ چرخ بلند – نوازندهٔ دل‌های نژند – تاج عزت – حدّ من – ثنایت گفتن – عطا – سفتن – خواری – خارکشی – افتادگی – قالب‌های شعری – مثنوی – نحوهٔ تلفظ

«روان‌خوانی آقا مهدی»:

ساقهٔ علف – انگار – مهمات – سماق و سمنو – سیمینوف – غلاف سرنیزه – زمزمه – مهره‌های شطرنج - خیره

«درس نهم، نوجوان باهوش»

ابوالقاسم فراهانی – قائم مقام – قصیده یا غزل – مکث کرد – حلاوت – زهر – ساقی – لهجهٔ خاصی – فوق‌العاده – فلسفه و حکمت – سکوت باغ – قلک ذهن – تعارف – نگاه تأسف‌بار – اتفاقاً لب گزید – لیاقت – ثابت کنم – انیس و مونس – هلهله و شادی – مقام صدر اعظمی – منشأ خدمات – هزاوهٔ فراهان – هوش و ذکاوت شیوع آبله – اطلاع دادند – فوراً – جهل و خرافات – واکسینه – از قضا - اندوه فراوان – صدای رسا – خطاب به اطرافیان – مسئول جهل – تحمل – حرکت‌گذاری – نقش‌نمای اضافه - شأن – رؤیا – مؤسس لؤلؤ – توطئه – ان‌شاءالله

«درس دهم، قلم سحرآمیز»

مقاومت دلیرانه – کمال‌الدین بهزاد – می‌لغزید – توده‌ای آهکی – باریکه‌ای از نور – می‌تابید – تکه‌چوب – سقف غار – هدهد صبا – سبا – حیف است – طایر – خاکدان غم – آشیان وفا – شعر حافظ – زمزمه کرد – قلم سحرآمیز – طبیب – استانبول – استعمار – گفت‌وگو – مرجع تقلید – میرزای بزرگ - فتوای تاریخی – استعمال توتون و تنباکو – درحکم محاربه – قلیان – تنگنا – توطئه – استعداد کرامت – گزینش لفظ – توجه مخاطب – حاضر و ناظر – همدم گل - یاد سمن

«حکایت نام خوشبو»

عارفان – می‌گذشتند – معطر گرداند – آسیب رهگذران – در امان – حرمت نهادی

«درس یازدهم، پرچم‌داران»

حس غرور – عظمت و افتخار ملی – استواری کلام – تأکید بر واژگان کلیدی – لحن مناسب – پیکرهٔ ما – ستم‌ها و گزندها – جنگ تحمیلی بی‌رحمی – خیل عظیم – پهنهٔ خدایی – سدّی نفوذناپذیر – هجوم وحشیانه – حامیان – تازش دشمن – حماسه‌های شگفت‌انگیز – همت و تلاش – تخصص و تعهد – قلل – مایهٔ عزت – زیور و شکوه خلاقیت عرصه‌ها و میدان‌ها – مأوا – اهریمن – مهر ناموس – حب وطن – جاذبه‌های شهر – حفظ منابع کشور -

«شعرخوانی ای وطن من»

برگزیده‌اند – خوف تبر – به غایت – جرئت‌مند – مجمع‌الجزایر گل‌ها – عاطفه و خشونت – کویر طبس – پوپک مؤدب – رویین‌تن متواضع – سلمان هراتی

«درس دوازدهم»

صبح صادق – قدرت کاذب – اخلاص عمل – منزه از دغل – غزا - نبی و وصی – کاهلی – حیران – عفو – تیغ تیز – مأمور – شیر هوا – شهوت و آز – نهان کردن – سزا – اسد

«حکایت ان‌شاءالله»

درمی چند – آستین – خزفروشان – حاجت – طرار – بازخورد – به حیلت ببرد – واقف شد – به اتفاق – هان – زر – روح‌الارواح سمعانی

«درس سیزدهم، ادبیات انقلاب»

تاریخ معاصر – نظام شاهنشاهی – انقلاب شورانگیز – وحدت و یکپارچگی – اعتقاد مذهبی – دل‌سپاری – دوگانگی – از میان برخاست – بنیان‌گذار فرزانه – تعالیم الهی – بهره‌گیری – باطن هر ایرانی – سرچشمهٔ زایا – ابزارها و عوامل – عامل انسجام و وحدت – آثار نظم و نثر – آیینهٔ فرهنگ – منش اجتماعی اشخاص – معیارهای اخلاقی – جلوه‌گر – فضیلت – درونمایه و محتوا – مکافات عمل – بر حذر – تقویت خودباوری

«درس چهاردهم، یاد حسین»

لحن سوگوارانه – حسرت و افسوس – واقعهٔ کربلا – تف دل – دوات – رقم کرد – خسرو بی‌لشکر – دیدهٔ تر – غرقهٔ بحر بلا – آل نبی – عطشان نسل حیدر – لب شط – لب کوثر – آب فرات – صف محشر – حماسه‌ساز اسوهٔ جوانمردی – فضای موسیقایی – احیای قیام عاشورا – عزا و ماتم – رستخیز – نفخ صور

«روان‌خوانی شوق آموختن»

آزادگان سرافراز – اردوگاه مخوف رژیم بعث – روحیهٔ غالب اسرا – صلیب سرخ – طبق معمول – دلخوشی – مصمم – مطمئن – قیافه – محوطه – در مضیقه – فی‌المجلس – اکثر اوقات – تذکرات لازم – اصلاح می‌کرد – بالاخره – انگار – اصلاً – نابغه

«درس شانزدهم، پرندهٔ آزادی»

آغوش – پرنده‌ای بیمناک – بیم دوزخ – توفان – تیرگی – صیاد سنگدل – بیندیشد – بی غلط تلفظ کند – بعثت پیامبران – صعود کن – سدره‌المنتهی – مشعل – خیانت و مزدوری – فرزندان غزه – بتازید – گسترهٔ نبرد – زیتون – مهیا – پرفروغ – نزار قبانی – مطرح کنید

«درس هفدهم، راه خوشبختی»

شکپیر – جزر و مد – مسلماً – غنیمت بشمارید – بسا – نتیجهٔ غفلت – گذر عمر تاب و تحمل – اصلاً – از فرط غرور – تلف نکن – صرفه‌جویی – میفکن – مسرور بلافاصله – جز پشیمانی – بیهوده – نشاط و اضطراب – منحرف – متانت – پر خوف و خطر – تعلل – پایمال – کائنات – انگشت ندامت – به دندان می‌گزیم – گران‌بها حسرت و ندامت – تمر – از پی هم می‌گذرند – آگاهانه بگذرانیم – با اندکی تصرف سعادتمند – تنوین – تقریباً

«روان‌خوانی آن سوی پنجره»

بستری – مرغابی و قو – درختان کهن – افق دوردست – جزئیات – مناظر دل‌انگیز خواهش کرد – اطمینان – بیندازد – عین ناباوری – مواجه – شقایق - قوت قلب

«نیایش»

ذکر خود – بلندآوازه – بیفشان – وضو – مرحمت – شفیع آخرت – خیرالبشر – وحشی بافقی

کوچه باغ زندگیتان سبز و پر موسیقی!

در سایه سار مهر یزدان

تندرست و پدرام باشید.



س.م. زارع حسینی-خراسان-مشهد

فروردین هزار و چهارصد خورشیدی